

بررسی انواع عواطف انسانی در اشعار لیلا صراحت روشنی (با تکیه به طلوع سبز، از سنگ‌ها و آینه‌ها و روی تقویم تمام سال)

عبدالمتین متین*

پوهنیار، دیپارتمنت زبان و ادبیات فارسی دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0006-4316-2722> - matin97052@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۳)

چکیده

عاطفه یعنی احساس یا هیجانی درونی که انسان نسبت به اشخاص، اشیا یا رویدادها دارد و رفتار و گفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ عواطف انسانی همچون جریانی زلال در بستر کلمات جاری اند، در اشعار لیلا صراحت روشنی؛ مانند: عشق لطیف، اندوه عمیق، امید لرزان و رنجی که در سکوت شعر رخنه می‌زند. در این تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است که با ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های موجود، به بررسی موضوع می‌پردازد. هدف از تحقیق مذکور تحلیل و بررسی عواطف انسانی لیلا صراحت بوده؛ همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اشعار لیلا صراحت، آینه‌ای شفاف از اندیشه و احساس اوست؛ زبان روشن و بی‌پیرایه که معنا را بی‌ابهام به مخاطب می‌رساند و هویت ادبی او را برجسته می‌سازد، عواطف انسانی در شعرش نه صرفاً بیان عواطف؛ بلکه ابزاری برای کشف حقیقتی عمیق‌تر از هستی است؛ حقیقتی که در واژه‌ها تنیده شده و در جان مخاطب طنین انداز می‌شود.

کلمات کلیدی: شعر معاصر افغانستان، عواطف انسانی، لیلا صراحت روشنی

*. ارجاع: متین، عبدالمتین. (۱۴۰۴). بررسی انواع عواطف انسانی در اشعار لیلا صراحت روشنی. مجله علمی -

تحقیقی جوزجانان، ۱۸(۴۶)، ۱۵۱-۱۶۵. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.77>

An Analysis of Human Emotions in the Poetry of Laila Serahat Roshani: Focusing on Themes of "Green Dawn," "Stones and Mirrors," and the "Calendar of the Year"

Abdul Matin MATIN*

Teaching Assistant, Department of Dari Language and Literature, Faculty of Education, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

matin97052@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0006-4316-2722>

(Received: 21/06/2025 - Accepted: 25/08/2025)

Abstract

Emotion refers to an inner feeling or affect that a person experiences toward people, objects, or events, influencing their behavior and speech. Human emotions flow like a clear stream through the fabric of words in the poetry of Laila Serahat Roshani, such as delicate love, deep sorrow, fragile hope, and the suffering that silently permeates the verse. In this study, a descriptive-analytical method has been employed, combining library research with the analysis of existing data to examine the subject matter. The aim of the present study was to analyze and examine the human emotions in the works of Laila Serahat. The findings of this study also indicate that the poetry of Laila Serahat serves as a clear mirror of her thoughts and emotions, employing a lucid and unadorned language that conveys meaning to the reader without ambiguity and conveys them while highlighting her literary identity. The human emotions in her poetry are not merely expressions of feeling, but serve as a means to uncover a deeper truth about existence. A truth woven into words, resonating deeply within the reader's soul.

Keywords: Contemporary Afghan Poetry, Human Emotions, Laila Serahat Roshani

*. Matin, A.M. (2025). An Analysis of Human Emotions in the Poetry of Laila Serahat Roshani: Focusing on Themes of "Green Dawn," "Stones and Mirrors," and the "Calendar of the Year". *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*, 18(1;46), 151–165. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.77>

مقدمه

عاطفه از عناصر اصلی شعر است که اهمیت به سزایی در شکل‌گیری شعر دارد. شاعر هرچه بیش‌تر از محیط اطرافش تأثیر بپذیرد، بهتر خواهد توانست برخورد خود با پدیده‌های اطراف را در شعر خود منعکس کند. عاطفه یا آن‌چه هیجان در انگلیسی (Emotion) نامیده می‌شود به «واکنش کلی، شدید و کوتاه ارگانیسم به یک موقعیت غیرمنتظره همراه با یک حالت عاطفی خوشایند یا ناخوشایند گفته می‌شود» (گنجی، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۷).

عواطف انسانی همواره یکی از عناصر بنیادین در شعر و ادبیات بوده‌اند که در انعکاس تجربه‌های فردی و جمعی نقشی اساسی را ایفا می‌کنند. در شعر معاصر فارسی، لیلا صراحت روشنی به‌عنوان یکی از شاعران برجسته، با بهره‌گیری از زبان شاعرانه و تصاویر مختلف عواطف انسانی را به تصویر کشیده است. با این حال، تاکنون تحقیقات زیادی به تحلیل جامع و ساختارمند انواع عواطف انسانی در اشعار شاعران معاصر پرداخته شده؛ اما هیچ تحقیقی در این حوزه در اشعار لیلا صراحت روشنی پرداخته نشده است. از این‌رو، پرسش اساسی این تحقیق آن است که چگونه و با چه ابزارهای زبانی و ادبی، احساساتی؛ چون: ارادت، اندوه، امید، یأس و شوریدگی در اشعار صراحت روشنی بازنمایی شده‌اند؟ همچنین، این تحقیق به دنبال آن است که تأثیر این عواطف بر پیام و ساختار اشعار را مورد بررسی قرار داده و نشان دهد که چگونه عواطف، به‌عنوان یک شاعر زیباشناختی، بر شکل‌گیری هویت شعری وی تأثیر گذاشته‌اند.

بررسی انواع عواطف انسانی در اشعار لیلا صراحت روشنی از آن جهت حایز اهمیت است که شعر او بازتاب‌دهنده احساسات عمیق، دغدغه‌های اجتماعی و تجربیات شخصی است. ضرورت این تحقیق از آن‌جا ناشی می‌شود که شناخت و تحلیل این عواطف، نه تنها به درک بهتر سبک و نگرش شاعر کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند چشم‌اندازی نو در زمینه مطالعه احساسات انسانی در ادبیات معاصر ارائه دهد.

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود. بدین منظور، مجموعه اشعار لیلا صراحت روشنی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و انواع عواطف انسانی در اشعار وی، از منظر محتوا، زبان، و ساختار شعری تحلیل می‌شود. هدف اصلی تحقیق، شناخت و دسته‌بندی عواطف در اشعار این شاعر و بررسی تأثیر آن‌ها بر هویت و پیام ادبی آثار اوست. در این مقاله تلاش گردیده تا به پرسش‌های زیر پاسخ درست و قناعت‌بخشی ارائه شود:

۱. چه نوع عواطف انسانی در اشعار لیلا صراحت روشنی بیشتر برجسته شده اند؟
۲. چه عناصر زبانی و ادبی برای انتقال عواطف انسانی در شعرهای او به کار رفته اند؟
۳. چه تفاوت‌هایی میان بیان عواطف انسانی در اشعار عاشقانه و اشعار اجتماعی او وجود دارد؟

در این مقاله از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده، در بخش توصیفی، تلاش گردیده تا با مطالعه دقیق اشعار لیلا صراحت روشنی، مضامین عاطفی موجود در مجموعه‌های شعری او شناسایی و طبقه‌بندی شوند. سپس در بخش تحلیلی، این مضامین از نظر نوع، شدت، زمینه‌های اجتماعی و ادبی، و نحوه بیان بررسی و تحلیل گردیده است. در این حوزه تحقیق شامل مجموعه اشعار منتشرشده این شاعر در سه دفتر شعری؛ مانند: طلوع سبز، از سنگ‌ها و آیینه‌ها و روی تقویم تمام سال است، به‌طوری که اشعاری انتخاب می‌گردند که بیشترین بار احساسی را دارا بوده و به‌طور مستقیم به بیان عواطف انسانی پرداخته اند. گردآوری داده‌ها از طریق مطالعه مستقیم متون شعری، یادداشت‌برداری از واژگان و دسته‌بندی مفاهیم عاطفی انجام می‌شود. سپس با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل ادبی، نحوه استفاده شاعر از عناصر بلاغی مانند استعاره، تشبیه، نماد، و موسیقی شعر برای انتقال عواطف بررسی می‌گردد.

تحقیقات ادبی پیرامون عواطف انسانی در شعر معاصر همواره نشان داده اند که احساسات و هیجانات فردی نقش مهمی در بازنمایی تجربه‌های زندگی شاعران دارند. در این راستا، اشعار لیلا صراحت روشنی به عنوان یکی از شاعران معاصر، بستری غنی از بیان عواطف انسانی را فراهم می‌آورد. مطالعات پیشین در حوزه شعر شاعران معاصر عمدتاً بر تحلیل عناصر عاطفی؛ همچون: محبت، اندوه، امید و یأس متمرکز بوده اند و نشان داده اند که این عواطف نه تنها در ساختار زبانی و تصویری شعر گذاشته؛ بلکه در بازتاب مسایل اجتماعی و فردی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. بررسی‌های انجام شده بر آثار و اشعار شاعران حاکی از آن است که در این حوزه تحقیقات بسیاری؛ به صورت پایان‌نامه، مقاله و تألیف انجام گردیده است که نمی‌توان همه آن‌ها را در این‌جا ذکر کرد؛ ولی می‌توان در این قسمت مهم‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها را به شکل مؤجز و مختصر اشاره نمود:

مقاله «بررسی عنصر عاطفه در شعر احمد شاملو» نوشته سید حسن شریفی، آرش مشفق و عزیز حجاجی کهجوق؛ البته بعد از تحقیق و بررسی به این نتیجه رسیده است که عنصر عاطفه در شعر احمد شاملو، فراتر از بیان احساسات فردی، بازتابی از دردها، امیدها و آرمان‌های

جمعی است. او با زبان شاعرانه و تصویرسازی عاطفی، شعر را به ابزاری برای آگاهی‌بخشی و اعتراض اجتماعی تبدیل می‌کند (شریفی، مشفق و حجاجی کهجوق، ۱۳۹۹).

مقاله «تحلیل زیبایی‌شناختی عاطفه در داستان‌ها و اشعار خمسه» به قلم معصومه ابراهیمی هژیر و مرتضی رزاق‌پور و پس از بررسی این تحقیق به این نتیجه رسیده شد که عاطفه در خمسه نظامی، با زبان خیال‌انگیز و تصویری، فراتر از بیان احساسات، به عنصری زیبایی‌شناختی تبدیل شده که به غنای روایت و تأثیر گذاری شعر او می‌افزاید (ابراهیمی هژیر و رزاق‌پور، ۱۴۰۱).

مقاله «بازتاب عاطفه و اندیشه در تصویر آفرینی‌های شهریار و سیمین بهبهانی» به قلم خلیل نیک‌خواه و غفت نقابی؛ بعد از بررسی این تحقیق به این نتیجه رسیده است که شعر شهریار و بهبهانی تلفیقی از عاطفه و اندیشه است که با تصویر آفرینی‌های بدیع، احساسات انسانی و واقعیت‌های اجتماعی را به شکل هنری و تأثیرگذار بازتاب می‌دهد (نیک‌خواه و نقابی، ۱۳۹۹).

از آن جایی که جست‌وجو و تحقیقات صورت گرفت. در باره موضوع «بررسی انواع عواطف انسانی در اشعار لیلا صراحت روشنی» تا کنون هیچ‌کسی به این موضوع نپرداخته، پس بدون شک تحقیق و تحقیق مذکور موضوعی بکر و تازه بوده که بنده تحت بررسی قرار داده است.

بحث و بررسی

لیلا از بانوان نامدار افغانستان در شعر نو است (فایز، ۱۳۹۲، ص. ۵۶۴). وی شعرهای لطیف عاشقانه دارد؛ ولی مضمون‌های اجتماعی و وطنی جان‌مایه اکثر سروده‌های او را تشکیل می‌دهد. شعر لیلا صراحت شعر متعهد و رسالت‌مند است و با اوضاع اجتماعی، سیاسی و مردم کشورش پیوند دارد (قویم، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۶).

صراحت روشنی که با وجود عمر کوتاهش توانست جایگاه ویژه‌ای در ادبیات افغانستان پیدا کند. همچنین لیلا صراحت شاعری که شعرهایش بازتابی از احساسات ژرف انسانی، محبت وطن و دغدغه‌های اجتماعی بود. او با زبان ساده؛ اما پر از تصویر و عاطفه، دردها و رنج‌های مهاجرت، جنگ و نابرابری را در قالب کلمات به تصویر می‌کشید. شعرهایش نه تنها بیان‌گر رنج و اندوه؛ بلکه سرشار از امید و ایمان به آینده روشن بود. او در عین حال که شاعری متعهد به مسایل اجتماعی، انسانی، حساس و سرشار از علاقه به زندگی و آزادی به شمار می‌رفت و همچنان الهام بخش نسل‌های بعدی شاعران و نویسندگان است.

شعر تمام شاعران بی‌شک جولان‌گاه عاطفه‌های مانند: غم، شادی و... بوده و هست. بیشتر این شاعران، عواطف فردی را در شعر خویش مورد توجه قرار داده‌اند و برخی دیگر این عواطف را با مایه‌هایی از مضامین و احساسات اجتماعی و جمع‌گرایانه پیوند و تلقین داده‌اند. لیلا صراحت روشنی در این میان شاعری است که توانسته در عین حال که شعرش میدان تاخت‌وتاز عواطف فردی است، در پیوند دادن این عواطف با احساسات و مسایل اجتماعی و رخدادهای اجتماع مؤفقیتی حاصل کند (روزبه، ۱۳۹۵، ص. ۱۷). عاطفه به عنوان یکی از عناصر اصلی شعر از اهمیت فراوانی در شکل‌گیری آن دارد. تعاریفی که دربارهٔ عاطفه ارایه شده، به خوبی این گفته را نشان می‌دهد. شفیع کدکنی در تعریف شعر به عنصر عاطفه و سایر عناصر همراه آن، این‌گونه اشاره می‌کند: «شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰، ص. ۸۶). بنابراین روشن می‌شود که عاطفه برخورد شاعر با حوادث و اطراف خود؛ و شعر، محصول و نتیجهٔ این برخورد است که در ذهن شاعر خلق می‌شود و چگونگی برخورد و تأثیرش را از این حادثه نشان می‌دهد. این برخورد، درواقع نوعی واکنش است. پس می‌توان گفت که «عاطفه یا احساس عکس‌العمل غیرارادی و احساس شان در برابر رویدادهای عالم بیرون است» (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳۱۵). آن‌چه از زیبایی‌شناسی عاطفه در اشعار لیلا صراحت به آن توجه شده و به این تحقیق آمده حاوی موارد ذیل است که به بررسی هر یک پرداخته شده است:

الف) عواطف فردی

عواطف فردی در اشعار لیلا صراحت روشنی بازتاب‌دهندهٔ درونی‌ترین عواطف و احساسات، تجربه‌های شخصی و دغدغه‌های او نسبت به هستی، محبت، تنهایی و امید است. این عواطف نه تنها به‌عنوان یک واکنش احساسی؛ بلکه به‌مثابهٔ یک ابزار شناختی و هویتی در اشعار او عمل می‌کنند. از منظر علمی، بیان این احساسات می‌تواند. نوعی پالایش روانی باشد که به شاعر کمک می‌کند تا با بیان دردها، اضطراب‌ها و امیدهایش، تعادلی درونی ایجاد کند. نظریات روان‌شناختی بیان‌گر آن است که ابراز عواطف از طریق نوشتار، به ویژه در قالب شعر، می‌تواند به کاهش استرس و افزایش خودآگاهی کمک کند. در این راستا، اشعار لیلا صراحت نه تنها تجربهٔ شخصی او را منعکس می‌کنند؛ بلکه به‌عنوان ابزاری برای پردازش هیجانات پیچیده به‌کار می‌روند. از منظر ادبی، لیلا صراحت با بهره‌گیری از استعاره، نماد، و تصاویر حسی، فضای احساسی خاصی را خلق می‌کند که خواننده را با عواطف فردی او شریک می‌سازد. یکی از مهم‌ترین عاطفه‌های فردی در اشعار او بیان دوستی و محبت است که در اشعار شاعر نه تنها به‌عنوان یک احساس فردی؛ بلکه به‌عنوان نیرویی رهایی‌بخش و معنابخش به زندگی جلوه

می‌کند. در بسیاری از اشعارش، محبت و دوستی به مثابه نوری در دل تاریکی به تصویر کشیده می‌شود که می‌تواند شاعر را از رنج و تنهایی نجات دهد.

نکته مهم دیگر در اشعار لیلا صراحت روشنی، تلفیق امید و ناامیدی است. او گاه با لحنی تلخ و لندومبار از فقدان‌ها و رنج‌هایش سخن می‌گوید و در جایی دیگر، با امیدواری از آینده روشن صحبت می‌کند. این نوسان بین امید و یأس، ساختاری پویا به اشعار او می‌بخشد و تجربه انسانی و قابل درک برای مخاطبان خلق می‌کند. درواقع، او با مهارت، دوگانگی‌های احساسی را در اشعار خود بازتاب می‌دهد: محبت در برابر جدایی، امید در برابر یأس و وصال در برابر تنهایی. در مجموع، عواطف فردی در اشعار لیلا صراحت روشنی نه تنها بیان‌گر تجربه‌های شخصی او هستند؛ بلکه به دلیل زبان صمیمی، تصاویر حسی قوی و لحن شاعرانه، به تجربه جهانی تبدیل می‌شوند.

۱.۱. امیدواری

امیدواری در اشعار لیلا صراحت به شکل‌های مختلفی به کار رفته است. او که شاعری متعهد به مسایل اجتماعی و واقعیت‌های تلخ افغانستان است، در میان تلخی‌ها و دردها، همواره نوری از امید را در اشعارش زنده نگه می‌دارد؛ مانند: امید به آینده روشن، استقامت در برابر سختی‌ها، پیام به نسل‌های آینده و ترکیب رنج و امید.... را به صورت هنرمندانه در کنار هم قرار می‌دهد. او نمی‌خواهد دردها را نادیده بگیرد؛ اما در دل همین سختی‌ها، امید را زنده نگه می‌دارد؛ مثلاً صراحت در دفتر شعری «از سنگ‌ها و آینه‌ها» چنین امیدواری می‌کند:

لیلی کسی در می‌زند، بیدی که می‌لرزی مگر؟ برخیز! در بگشا، چرا آینه‌ات سیماب شد
اینک بهارت می‌رسد تاب و قرارت می‌رسد بر دیده‌گانت شب‌زده، خورشید، عالم‌تاب شد
(روشنی، ۱۳۷۶، ص. ۱۰)

این شعر تصویری از امید، تغییر و رهایی از ترس و تردید را ترسیم می‌کند. لیلا صراحت با خطاب قرار دادن «لیلی» که نمادی از محبت و انتظار است، او را از ترس و لرزش همچون «بید» باز می‌دارد و نوید آمدن بهار، آرامش و دگرگونی را می‌دهد. همچنین این بیت می‌تواند استعاره‌ای خروج از انزوا و پذیرش تغییر باشد. «در بگشا» نمادی از گشودن دل به روی فرصت‌های جدید و پایان یافتن دوران تاریکی است. «سیماب شدن آینه» نشان‌دهنده اضطراب و تزلزل در درک واقعیت است که با طلوع خورشید (نماد آگاهی و روشنی) برطرف می‌شود. این بیت به فرد امید می‌دهد که ترس را کنار بگذارد و با آغوش باز پذیرای تغییرات مثبت زندگی باشد.

«تو عزیز دل من گفتی: / با یک آغوش گل سرخ / به دیدارم خواهی آمد» (روشنی، ۱۳۸۳، ص. ۳۳).

این شعر سرشار از وعده، امید و انتظار عاشقانه است. محبوب قول دیداری را داده که با نشانه‌ای از اشتیاق همراه است. گل سرخ در نمادشناسی شور و دلدادگی را نشان می‌دهد و حضور آن در این وعده، به تصویرسازی عاطفی شعر عمق می‌بخشد. در این شعر، شاعر با تکرار کلمات معشوق، لحظهٔ وصال را در ذهن خود زنده نگه می‌دارد، که نشان‌دهندهٔ اهمیت خاطرات و وعده‌های عاشقانه در پیوندهای احساسی است.

۲.۱. یأس (ناامیدی)

یأس و ناامیدی در اشعار لیلا صراحت روشنی بازتابی از واقعیت‌های تلخ زندگی مردم افغانستان، به ویژه جنگ، مهاجرت و بی‌عدالتی است. او با زبانی صریح و عاطفی، این احساسات را در قالب تصاویر شاعرانه و استعاره‌های قوی بیان می‌کند. با این حال، ناامیدی در اشعارش هرگز به معنای تسلیم نیست؛ بلکه اغلب پلی به سوی امید است. صراحت روشنی از یأس به عنوان یک مرحله گذرا استفاده می‌کند که در نهایت به آگاهی، پایداری و امیدواری ختم می‌شود. بنابراین، هرچند شعر او از درد و اندوه سرشار است؛ اما در لایه‌های عمیق‌تر، صدای امید و آرزوی تغییر همچنان طنین‌انداز است؛ به هر صورت در این جا صراحت در دفتر شعری خویش «روی تقویم تمام سال» چنین احساس ناامیدی می‌کند:

لیلا به خواب یار نمی‌آید در کلبه‌ات بهار نمی‌آید
تالاب انتظار دو چشم‌ت را نیلوفری به بار نمی‌آید
(روشنی، ۱۳۸۳، ص. ۱۶)

این بیت بیان‌گر حسرت، انتظار بی‌پایان و ناامیدی از وصال است. «لیلا به خواب یار نمی‌آید» نمادی از محبت دست‌نیافتنی است که حتی در رؤیا نیز تحقق نمی‌یابد. «تالاب انتظار» تصویر چشم‌هایی است که در اشتیاق دیدار، سرشار از صبر و امیدند؛ اما بهاری که نماد آغاز و شگوفایی است، هرگز به آن کلبه پا نمی‌گذارد. به همین گونه، فرد در اسیر انتظار و وابستگی عاطفی می‌شود؛ اما سرانجام با واقعیتی تلخ روبه‌رو می‌گردد: اشتیاقی که هرگز به ثمر نمی‌رسد. «نیلوفری به بار نمی‌آید» اشاره‌ای به ناامیدی دارد که هیچ‌گاه به سرانجام نخواهد رسید، درست مانند نیلوفری که بدون آب و شرایط مناسب، قادر به رشد نیست. این تصویرها، احساسی از یأس، تنهایی و پذیرش ناگزیر جدایی را در خود دارد.

نالهام در اوج‌ها تا ناکجا گم‌گشته است بغض دل‌تنگیم میان ناله‌ها گم‌گشته است
تا خدا، آونگ، چشم خسته‌ام بردار شب انتظار بازگشت تا خدا گم‌گشته است
(روشنی، ۱۳۷۶، ص. ۴۲)

این ابیات بیان‌گر احساسات شدید ناامیدی، گم‌شدگی و سردرگمی هستند. ناله‌ها و بغض‌های درونی شاعر که در میان سکوت و تاریکی گم شده‌اند، نشان‌دهنده بحران عاطفی است که فرد قادر به بیان یا درک آن نیست. اشاره به «تا خدا و انتظار بازگشت» حاکی از جست‌وجوی بی‌پایان برای امید یا نجات از درد است؛ اما همچنان در انتظار بی‌پاسخی گرفتار است. پس این بیت به عمق بحران روانی و عاطفی اشاره دارد که فرد در آن محصور و ناامید است.

تو می‌روی و دلم بی‌ترانه می‌ماند شگوفه‌های نگاهم ز دانه می‌ماند
تو می‌روی چو سحر سوی حجله‌گاه طلوع غمی شبانه در این آشیانه می‌ماند
(روشنی، ۱۳۷۶، ص. ۷۶)

این ابیات تصویری از یأس و ناامیدی را نشان می‌دهد. شاعر با به‌کارگیری استعاره‌های طبیعی (سحر، شگوفه، ترانه، آشیانه) توانسته است جدایی یار و ناامیدی را نه فقط به صورت یک غم عاطفی؛ بلکه همچون یک خاموشی کیهانی نشان دهد: نبود یار، نبود ترانه، پژمردگی نگاه، سیطره شب و غم.

۳.۱. اندوه

اندوه و غم در اشعار لیلا صراحت روشنی مفهوم گسترده و عمیق دارد که نه تنها بازتابی از دردهای شخصی؛ بلکه تصویری از رنج‌های جمعی مردم افغانستان است. شعر او آینه‌ای از جنگ، مهاجرت و بی‌عدالتی است که با زبان شاعرانه و احساسی به تصویر کشیده شده است. او با استفاده از استعاره‌های قدرت‌مند؛ مانند: شب‌های بی‌ستاره، کوچه‌های خاموش و چشم‌های بارانی، حس اندوه را ملموس می‌سازد. با این حال، در پس این غم، همواره جرقه‌هایی از امید و مقاومت دیده می‌شود که نشان‌دهنده باور شاعر به امکان تغییر و رهایی از اندوه است. به همین قسم صراحت در دفتر شعری از سنگ‌ها و آینه‌ها خویش چنین اندوه و غم دل خود را بیان می‌کند:

جانم خراب و خسته است دریای چشمم بسته است
ماهی سرخ سینه‌ام گم‌گشته مرداب شد
آن سرخ جاری در رگم شور شراب ناب شد

چشمان مانده بر رهم بار دگر در خواب شد (روشنی، ۱۳۷۶، ص. ۱۰)

این شعر آمیخته از خستگی روحی، سرخوردگی و تسلیم در برابر سرنوشت را به تصویر می‌کشد. «جانم خراب و خسته است» نشان‌دهنده فروپاشی درونی و فرسودگی عاطفی است؛ در حالی که «دریای چشمم بسته است» می‌تواند به پایان یافتن اشک‌ها یا خاموشی احساسات اشاره داشته باشد. «آن سرخ جاری در رگم» که به «شور شراب ناب» تبدیل شده، استعاره‌ای از خون و زندگی پرشور گذشته است که اکنون به نوعی بی‌حسی یا مستی ناشی از درد و اندوه بدل شده است. «ماهی سرخ سینه‌ام» نمادی از قلب تپنده و پرشور شاعر است که اکنون در مردابی گم شده، جایی که دیگر جریان و حرکت وجود ندارد؛ این تصویر می‌تواند نشان‌دهنده گرفتاری در ناامیدی یا سرنوشتی نافرجام باشد. در پایان، «چشمان مانده بر رهم بار دگر در خواب شد» می‌تواند نشان‌دهنده فرسودگی ناشی از انتظار باشد؛ چشمانی که روزگار به امید دیدار بیدار بودند، اکنون از خستگی و ناامیدی فرو بسته‌اند. این شعر، تجربه درنکای از فرسایش امید و اشتیاق را به گونه‌ای عمیق بیان می‌کند.

۴.۱. نفرت و بی‌زاری

یکی از عناصری که در اشعار لیلا صراحت بازتاب یافته، نفرت و بی‌زاری است که در بستر تجربه‌های تلخ اجتماعی و سیاسی افغانستان شکل گرفته است. او با زبانی صریح و استعاره‌های قدرت‌مند، بی‌زاری از جنگ، خشونت، بی‌عدالتی و سرکوب ظلم و استبداد را به تصویر می‌کشد. این احساس نفرت در اشعارش نه از جنس کینه‌ورزی شخصی؛ بلکه برخاسته از درد عمیق یک ملت است که قربانی بی‌رحمی و استبداد شده است. در عین حال، این بی‌زاری با امید و آرزوی تغییر گره خورده و در تقابل با تاریکی، نوری از آگاهی و بیداری را به همراه دارد. اشعار او فریادی است علیه ظلم؛ اما در عین حال، راهی برای رهایی و بازآفرینی انسانیت پیشنهاد می‌دهد. او در دفتر «روی تقویم تمام سال» نفرت و بی‌زاری خویش را چنین به نظم می‌کشد:

«با شَولای شب بر دوش / دشنام‌وار / بر سکوی وقاحت / ایستاده‌ای / دهانت را / که به بوی ناکي
وجدان اهریمن است / همچون / دهانه‌ی سقر» (روشنی، ۱۳۸۳، ص. ۲۵).

این ابیات با زبان تند و تصویرسازی‌های شدید، حس تنفر و نفرت را منتقل می‌کنند. «با شَولای شب بر دوش» به نوعی توصیف فردی است که در تاریکی و فساد غرق شده، و

«دشنام‌وار» نشان‌دهندهٔ گفتار و رفتاری پر از نفرت و توهین است. «بر سکوی وقاحت ایستاده‌ای» به معنای ایستادن در جایگاهی است که در آن بی‌شرمی و وقاحت آشکار است، جایی که فرد بدون شرم یا معذرت‌خواهی، عمل می‌کند. «دهلنت را که به بوی‌ناکی وجدان اهریمن است» به این معناست که حرف‌ها و رفتارهای فرد از درون آلوده به فساد و گناه هستند، گویا آن‌چه که از دهانش بیرون می‌آید، نشانه‌ای از فساد درونی است. «همچون دهانه‌ی سقر» نیز استعاره از جهنم یا دوزخ است، جایی که فساد و شرارت به اوج خود رسیده اند. این تصویر به شدت از فساد اخلاقی و روانی فردی که درگیر این رفتارهاست، حکایت می‌کند. این ابیات با بیان تلخ و انتقادی به فردی که در دام فساد و شرارت گرفتار شده، حمله می‌کند و به نوعی از عدم وجدان و پاکی او پرده‌برداری می‌کند.

ب) عواطف اجتماعی

اشعار لیلا صراحت روشنی بازتاب از عواطف اجتماعی و احساسی است که در بستر تجربیات انسانی و مسایل جامعه شکل می‌گیرد. او با زبان لطیف در عین حال قدرت‌مند، احساسات جمعی را به تصویر می‌کشد و دغدغه‌های اجتماعی را با بیانی شاعرانه و تأثیرگذار بازگو می‌کند. در شعرهای او، عواطف انسانی، محبت وطن، طبیعت، مردم، عدالت و رفع تبعیض را درهم تنیده و به شکل هنرمندانه، پیوند میان فرد و جامعه را نشان می‌دهد. از این رو، اشعار وی نه تنها تجلی احساسات شخصی؛ بلکه بازتاب از مسایل اجتماعی یک ملت است که در کلام شاعرانه و صمیمی نمود یافته است. همچنین هم‌دلی و شفقت نیز در شعر او جایگاه ویژه‌ای دارند؛ او با به‌کارگیری این عناصر، از دردهای مشترک سخن می‌گوید و خواننده را به درک عمیق‌تری از رنج‌های انسانی دعوت می‌کند. از سوی دیگر، اعتراض در اشعارش، بیان‌گر نگاه نقادانه به نابرابری‌های اجتماعی و ناکامی‌های جمعی است. او با زبان صریح؛ اما لطیف، از بی‌عدالتی‌ها می‌گوید و با خلق تصاویر بکر، ندای اعتراض خود را به گوش مخاطب می‌رساند.

۲.۱. عواطف انسانی

شعر لیلا صراحت روشنی تجلی احساس لطیف و عمیق از تنوع عواطف انسانی است که در قالب شاعرانه و هنرمندانه انعکاس می‌یابد. او با بهره‌گیری از زبان سرشار از استعاره، تشبیه و موسیقی درونی، احساسات متضاد انسان را، از علاقه و اشتیاق گرفته تا یأس و تنهایی، به تصویر می‌کشد. در اشعار وی، عاطفه نه تنها یک تجربهٔ فردی؛ بلکه امری جهانی و جمعی است که در بستر زندگی اجتماعی معنا می‌یابد. پس، عواطف انسانی در اشعار لیلا صراحت روشنی به مثابهٔ یک آینه از پیچیدگی‌های روح انسان عمل می‌کند؛ آینه‌ای که هم غم و شادی را

بازمی‌تبلند و هم حقیقت درونی انسان را با نگاه عمیق و شاعرانه به نمایش می‌گذارد. لیلا صراحت در دفتر «طلوع سبز» خویش در این مورد چنین طبع‌آزمایی می‌نماید: «کاشکی/ دل آدم‌ها/ همچون ابری می‌بود/ ابر پر بار سپید/ ابر لب‌ریز طراوت/ ابر سرشار سخاوت/ مژده بخشای صمیمیت‌ها/ ابر آبستن دنیایی سبز (روشنی، ۱۳۶۵، ص. ۸۰).

این ابیات آرزوی دل‌های پاک و سخاوت‌مند دارند. شاعر می‌خواهد که دل انسان‌ها همچون ابرهای سپید، پر بار و سرشار از طراوت، سخاوت و محبت باشند. این دل‌ها باید مایه‌ای از بخشش، صمیمیت و امید برای دنیایی بهتر و سبزتر شوند.

«شعله‌ی فریاد پنهان به/ چون نداند کس زبانم را/ از نگاه مردمان پوشم/ درد جان‌سوز نهانم را (روشنی، ۱۳۶۵، ص. ۷۸).

این ابیات بیان‌گر فریادهای درونی و احساسات پنهان شاعر است که به دلیل عدم درک از سوی دیگران، نمی‌تواند آن‌ها را ابراز کند. «شعله‌ی فریاد پنهان» نماد احساس و دردی است که به شدت در درون فرد می‌سوزد؛ اما از ترس قضاوت یا ناتوانی در بیان آن، به زبان نمی‌آید. «چون نداند کس زبانم را» نشان‌دهنده بی‌پاسخ بودن یا عدم درک از طرف دیگران است. «از نگاه مردمان پوشم» به معنای پنهان کردن این درد از دیگران است و «درد جان‌سوز نهانم را» نشان‌دهنده عمیق بودن این احساسات و رنج‌های درونی است که برای دیگران قابل مشاهده نیست.

۲.۲. محبت وطن

درباره محبت وطن، عاطفه‌پژوهان دیدگاه‌های متفاوتی دارند. گروهی آن را از زمره عواطف انسانی می‌دانند، علاقه‌ای که از ژرفای دل برمی‌خیزد، آمیخته با خاطره‌ها. در نظر ایشان، وطن نه صرفاً خاک و مرز؛ بلکه بخشی از هویت عاطفی انسان است. برعکس، برخی دیگر بر این باورند که محبت وطن، برخلاف عواطف طبیعی چون مهر مادری یا اندوه، ساخته ساختارهای اجتماعی و تاریخی است؛ احساسی که در بستر تربیت و تجربه شکل می‌گیرد، نه در نهاد فطری انسان.

محبت وطن در اشعار لیلا صراحت روشنی بازتابی از پیوند عمیق شاعر با سرزمین مادری‌اش است، که با زبان آمیخته به عاطفه و تعهد بیان می‌شود. او در سروده‌های خود وطن را نه تنها به عنوان یک مکان جغرافیایی؛ بلکه به مثابه هویت زنده و پویا به تصویر می‌کشد که با رنج‌ها، آرمان‌ها و امیدهای مردمش گره خورده است. اشعار وی سرشار از حس وطن‌دوستی،

مقاومت و آرزوی آزادی است، به گونه‌ای که علاقه به میهن در واژگان او به نیروی الهام‌بخش برای مبارزه و پایداری تبدیل می‌شود.

گرد آوارهی خوشید سوار آزادی	تپش خون به رگ روح بهار آزادی
نفس سبز رها قامت موزون دعا	عطش شعله‌ی فریاد نثار آزادی
انتهای شب سنگی شب بی‌روزن کور	وزش روح سحر در شب تار آزادی
(روشنی، ۱۳۷۶، ص. ۴۳)	

صراحت روشنی با بهره‌گیری از تصاویر شاعرانه و احساس، محبت وطن را از سطح شخصی به تجربه جمعی و تاریخی ارتقا می‌دهد، تا جایی که کلامش بازتاب از درد و امید مردمانش می‌شود.

این ابیات تصویری از آزادی و مبارزه برای رسیدن به آن را به تصویر می‌کشد. «گرد آوارهی خورشید، سوار آزادی» نماد جست‌وجوی بی‌پایان برای نور و رهایی است. «نفس سبز رها، قامت موزون دعا» بیان‌گر امید و آرزوی صادقانه برای آزادی است. «انتهای شب سنگی، شب بی‌روزن کور» نشان‌دهنده تاریکی و بن‌بستی است که آزادی‌خواهان با آن روبه‌رو هستند؛ اما در ادامه، «تپش خون به رگ روح بهار آزادی» و «عطش شعله‌ی فریاد نثار آزادی» نشان می‌دهد که این مبارزه با خون و فریاد ادامه دارد. «وزش روح سحر در شب تار آزادی» نویدبخش طلوع آزادی در میان تاریکی است. این شعر به‌طور کلی، تصویری از امید، مبارزه و اشتیاق برای آزادی در برابر ظلم و شب تاریک است.

«آه/ ای وای! تداوم رگبار مرگ/ بودن مان را به سخریه گرفته است/ و من غمگینانه می‌اندیشم:/ به تاراج رفته گل‌های باغ را/ بهانه‌یی برای زیستن هست مگر؟» (روشنی، ۱۳۷۶، ص. ۷۵).

این ابیات احساس ناامیدی و لندوه عمیق را در برابر مرگ و ویرانی بیان می‌کنند. «تداوم رگبار مرگ» نشان‌دهنده خشونت، جنگ یا مصیبت‌هایی است که زندگی را تهدید می‌کنند. «بودن مان را به سخره گرفته است» حاکی از این است که حیات انسان‌ها بی‌ارزش و بی‌رحمانه مورد تمسخر قرار گرفته است. شاعر با غم به «تاراج رفتن گل‌های باغ» می‌اندیشد، که نمادی از زیبایی، امید و ارزش‌های از دست رفته است. در پایان، پرسشی دردناک مطرح می‌شود: آیا هنوز دلیلی برای ادامه‌ی زندگی وجود دارد؟ این بیت بیان‌گر ناامیدی، لندوه و حس پوچی در جهانی است که ویرانی بر آن سایه افکنده است.

نتیجه‌گیری

از بررسی انواع عواطف انسانی در اشعار لیلا صراحت روشنی، چنین دریافت می‌شود که اشعار او به‌عنوان مظهری از حساسیت‌های شدید انسان، توانسته است عمق و گستره عواطف انسانی را به تصویر کشد؛ از لطافت‌های شیرین و دل‌انگیز محبت تا تلخی‌ها و رنج‌هایی که از ظلم، تبعیض و ناامیدی‌ها سرچشمه می‌گیرد. این احساسات که گاه در قالب شور و شغف‌های عاشقانه و گاهی در نمودهای غم‌انگیز و اعتراض‌آمیز بروز می‌یابد.

عواطفی که در اشعار لیلا صراحت روشنی به‌چشم می‌خورد، به‌طور ملموس و دردآلود بر تمام ابعاد وجود انسان سایه می‌افکند. به‌ویژه در مواجهه با مظلالم اجتماعی و نابرابری‌ها، عواطف شاعر از کنش‌های فردی فراتر می‌روند و به ابعاد جمعی و عمومی معطوف می‌شوند. شاعر در پی آن است که هم‌زمان فردیت و جامعه‌گرایی را در خود دربرگیرد. در این راستا، علاقه و اشتیاق، احساسات انسانی را به سطح بالاتر ارتقاء می‌دهد، جایی که دیگر تنها دلیلی برای مقابله با مشکلات نیست؛ بلکه دلیلی برای ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه است. این احساسات هم‌زمان با بازتاب‌های اجتماعی و فرهنگی، مخاطب را به تفکر در مورد جایگاه خود در جامعه و تأثیرات فردی و اجتماعی اعمالش دعوت می‌کند.

لیلا صراحت روشنی با شجاعت و صداقت در بیان عواطف انسانی، توانسته است تحولی در شیوه بیان احساسات به وجود آورد. اشعار او نه تنها مرثیه‌ای برای رنج‌های انسان‌هاست؛ بلکه نوعی پاسخی است به جست‌وجوهای دایمی بشر برای معنای زندگی و عدالت. هر واژه و هر تصویر در اشعار او پر از معنا و دقت است و این ویژگی‌ها موجب می‌شود که شعر او از سادگی بیرون آمده و به اعماق لایه‌های پیچیده‌تر احساسات انسانی نفوذ کند. این عواطف در کلام او از یک طرف، رنگی از غم و اندوه دارند و از طرفی دیگر، نمایشی از آرمان‌های بشری و تلاش‌های مستمر برای برقراری نظم و عدالت اجتماعی هستند.

یکی از ویژگی‌های برجسته در اشعار صراحت روشنی، قدرت تصویرسازی اوست که به مخاطب این امکان را می‌دهد تا به شکل ملموس، رنج‌ها، امیدها و آرزوهای انسان را تجربه کند. او با نگاه زنانه؛ اما فراتر از مرزبندی‌های جنسیتی، از محبت به‌عنوان نیروی رهایی‌بخش و در عین حال ویران‌گر سخن می‌گوید. اندوه در اشعارش گاه به شکل حسرت و دلتنگی بروز می‌کند و گاهی در قالب اعتراض و نارضایتی از وضع موجود؛ همچنین در آثار او ردپای حسرت‌های ناپیدا، رؤیاهای ازدست‌رفته و امیدهای باریک اما پایدار به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده روح جست‌وجوگر و حساس شاعر است.

در نهایت، آثار لیلای صراحت روشنی همچون آینه‌ای است که عواطف انسانی را در همه اشکال و حالاتش، از شادی و علاقه گرفته تا اندوه و اعتراض، منعکس می‌کند و به مخاطب این امکان را می‌دهد که با ژرف‌نگری و هم‌دلی به درون خود و جامعه‌اش بنگرد. اشعار او گواهی است بر توانمندی شعر در تبدیل احساسات خام به پیام جهانی و انسانی که نه تنها خواننده را به اندیشه وادار می‌کند؛ بلکه او را به تأمل در مورد مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی‌اش در برابر جهان عادلانه‌تر و انسانی‌تر ترغیب می‌سازد.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی هژیر، معصومه و رزاق پور، مرتضی. (۱۴۰۱). تحلیل زیبایی شناختی عاطفه در داستان‌ها و اشعار خمسه نظامی (نمونه مصور خمسه طهماسبی). *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۹ (۴۷)، ۷-۱۹. [doi: 10.22034/ias.2020.253971.1417](https://doi.org/10.22034/ias.2020.253971.1417)
- روزبه، محمد رضا. (۱۳۹۵). *ادبیات معاصر ایران*، تهران: روزگار.
- روشنی، لیلای صراحت. (۱۳۶۵). *طلوع سبز*. کابل: مطبعه دولتی.
- روشنی، لیلای صراحت. (۱۳۷۶). *از سنگ‌ها و آینه‌ها*. پیشاور: نصیر لیزر کمپوز.
- روشنی، لیلای صراحت. (۱۳۸۳). *روی تقویم تمام سال*. مزارشریف: انجمن زنان افغان «رابعه بلخی».
- شریفی، سید حسن؛ مشفق، آرش و حاجی کهجوق، عزیز. (۱۳۹۹). بررسی عنصر عاطفه در شعر احمد شاملو. *فصلنامه بهارستان سخن*. ۱۷ (۴۷)، ۸۷-۱۰۶. https://journals.iau.ir/article_688860.html
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۹۰). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*. تهران: سخن.
- فایز، محمد اسحاق. (۱۳۹۲). *پیشینه تجدد، پیدایش و بالندگی شعر نو در افغانستان*، کابل: سعید.
- قویم، عبدالقیوم. (۱۳۸۷). *مروری بر ادبیات معاصر دری*. چاپ دوم، کابل: سعید.
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۲). *روانشناسی عمومی*. تهران: ساوالان.
- مرادی، ایوب و همکاران. (۱۳۹۶). بررسی عاطفه حماسی در شعر محمد رضا شفیع کدکنی. *ادبیات پایداری*، ۹ (۱۶)، ۳۱۵-۳۳۸. [doi: 10.22103/jrl.2017.1732](https://doi.org/10.22103/jrl.2017.1732)
- نیکخواه، خلیل و نقابی، عفت. (۱۳۹۹). *بازتاب عاطفه و اندیشه در تصویرآفرینی‌های شهریار و سمین بهبهانی*. زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، ۷۳ (۲۴۲)، ۲۹۹-۳۲۶. [doi: 10.22034/perlit.2021.30762.2295](https://doi.org/10.22034/perlit.2021.30762.2295)